https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83300.1299
مقالهٔ پژوهشی-مطالعهٔ موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۴۳

واکاوی نقش دولت و سرمایه در تولید فضای شهری دورهٔ معاصر با تأکید بر شهر زنجان

حمیدرضا حمیدی (دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)
uni.hamidi131@gmail.com
زهره داودپور (دانشیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، نویسنده مسئول)
z.davoodpour@qiau.ac.ir
شادی پاکزاد (استادیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)
shadi.pakzad@qiau.ac.ir

صص ۳۴۶ ـ ۳۱۵

چکیده

کیفیت سکونت در شهرها ارتباط مستقیم با کیفیت فضاهای شهری دارد. تعیین‌کننده کیفیت فضای شهری به عوامل و نیروهای تولید فضا بستگی دارد. به‌رغم توسعه دانش شهرسازی و معماری در دوره معاصر، کیفیت سکونت در شهرها چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. دولت و سرمایه در ارتباطی تنگاتنگ و هم آهنگ و هم‌آوا با یکدیگر از مهم‌ترین عوامل تولید فضای شهری دوره معاصر ازجمله شهر زنجان محسوب می‌شوند. تولید فضا در دوره معاصرِ شهر زنجان عمدتاً در قالب طرح‌های آماده‌سازی زمین صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، طی این دوره بالغ بر ۹۴ درصد از کل اراضی آماده‌سازی شده به‌وسیله دخالت مستقیم دولت و تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت انجام شده است. آماده‌سازی زمین توسط دولت، شرایط رانت زمین و ایجاد ارزش افزوده از این طریق را فراهم کرده و حوزه زمین و مسکن را به محل مطمئنی برای بازتولید سرمایه تبدیل کرده است. این امر گویای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

نقش بدون منازع دولت و سرمایه در تولید فضای شهریِ زنجان است. روش تحقیق در مقاله حاضر، براساس هدف پژوهش و از این حاظ که ماهیت موضوع از نوع متغیرهای غیرقابل‌اندازه‌گیری و کمیت‌ناپذیر است و داده‌های بررسی‌شده نیز اسناد، داده‌های متنی و آماری‌اند، از نوع کیفی انتخاب شد؛ بر این اساس، روش انجام مطالعه، توصیفی (پس‌رویدادی)-تحلیلی بود. برای تحلیل نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری از مدل «چندموضوع-چندبازیگر مکتور» استفاده شد و برای ارزیابی میزان انسجام و درهم‌تنیدگی فضایی شهر، ضریب هم‌پیوندی در سطح فراگیر و محلی و همچنین ضریب عمق به کار گرفته شد.

کلیدواژه‌ها: تولید فضا، دولت، سرمایه، فضای شهری، شهر زنجان.

۱. مقدمه

امروزه غالب جمعیت کشور در شهرها ساکن هستند. براساس اعلام مرکز آمار ایران، ۷٤ درصد از جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ ساکن شهرها بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). کیفیت سکونت در شهرها ارتباط مستقیم با کیفیت فضاهای شهری دارد. کیفیت فضاهای شهری نیز متأثر از نحوه تولید فضا و عوامل و نیروهای مؤثر در خلق آن است. عوامل متعددی در تولید فضای شهری ایفای نقش می‌کنند. درحقیقت فضای شهری برآیند کنش و واکنش عوامل و نیروهای متعدد در دوره‌های تاریخی است. دولت‌ها و حاکمیت‌ها، سرمایه و شهروندان از عوامل مهم در تولید و بازتولید فضای شهری محسوب می‌شوند. در دوره معاصر که به صد سال اخیر اشاره دارد، دولت و سرمایه مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری فضاهای شهری در ایران بوده است. مشهود است تا اواخر دوره قاجار، دولت در ایران به دنبال تغییر فضا به نفع خود و کسب سود از آن نبوده است (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۰). وقوع انقلاب مشروطه سرآغازی برای تولید فضای دولتی در ایران است. پس از سقوط سلسله قاجار و استقرار دولت شبه‌مدرن پهلوی، نهادهای جدید شکل گرفتند تا ساختار فضایی شهرها براساس الگوهای مدرن و با توجه به نیاز نظام سرمایه‌داری از نو شکل بگیرد. در این راستا فعالیت‌های گسترده‌ای در رابطه با تغییرات فیزیکی شهرها صورت گرفت و دولت در اولین اقدامات خود دگرگونی کالبدی شهر را در دستور کار قرار داد. در نتیجهٔ این دگرگونی‌ها ساختار فضایی

شهرها براساس الگوهای مدرن شکل گرفت. در ادامه این روند با افزایش درآمدهای نفتی، فضای شهری به محل اصلی مصرف سرمایه‌ی نوظهور تبدیل شد. گسیل و گردش سرمایه (با منشأ دولتی) در فضای شهری، ضمن جلوگیری از تورم سرمایه به بازتولید سرمایه منجر شد؛ به عبارت دیگر، فضا و سرمایه رابطه‌ای دیالکتیک با یکدیگر برقرار کردند (لفور، ۱۳۹۰). از یک سو سرمایه عاملی برای تولید فضا محسوب می‌شد و از دیگر سوی سرمایه از طریق فضا امکان گردش می‌یافت تا به این ترتیب گردش سرمایه عامل بقا، بازتولید و انباشت مداوم آن شود. در نتیجهٔ این رابطه دیالکتیکی، ماهیت شهرها از شهر–زندگی به شهر–سرمایه و درنهایت شهر–کالا تغییر یافت. رویکرد کالاگونه به فضای شهری، ارزش مبادله‌ای آن را به ارزش مصرفی غلبه می‌دهد؛ ازاین‌رو زمین و مسکن و به‌طورکلی فضای شهری در معرض سوداگری قرار می‌گیرد. این امر به معنای کاهش کیفیت زندگی در فضای شهری است. چنین شرایطی در ایران به‌واسطه تسلط دولت بر تولید فضای شهری با استفاده از نهادهای برنامه‌ریزی و زیر پوشش طرح‌های شهرسازی به وقوع می‌پیوندد. این پژوهش بر آن است تا نقش دولت و سرمایه در تولید فضای شهری را تبیین کند تا به این ترتیب درک درستی از نحوه و علل گسترش فیزیکی شهرها و دگرگونی‌های کالبدی آن‌ها در دوره معاصر به دست آید.

۲. پیشینه تحقیق

نخستین کسی که مفهوم «تولید فضا»[1] را به کار برد، فیلسوف فرانسوی، هانری لِفور[2]، بود. از عوامل زمینه‌ساز ایجاد این مفهوم توسط لفور می‌توان به وقوع انقلاب پرولتری فرانسه اشاره کرد؛ ضمن اینکه وی در جست‌وجوی پاسخ به این سؤال که «چرا سرمایه‌داری هنوز پا برجاست و نابود نشده است؟» به موضوع فضا از جنبه شهرسازانه آن وارد شد و چرا فضا عامل بقا و بازتولید سرمایه است؟ او با ابداع این مفهوم قرائت جدیدی از فضا ارائه کرد که تأثیرات عمیقی بر اندیشه متفکران پس از خود در نحوه درک از فضا به جای گذاشت. لفور

1. Production of space
2. Hanry Lefebvre

در اثر مهم خود، «تولید فضا»، نیاز به بررسی فضا را به‌عنوان هم یک محصول و هم تعیین‌کننده مناسبات و کنش های اجتماعی متذکر می‌شود و بیان می‌کند: واژه فضا تا چند سال قبل دارای یک معنای مشخص هندسی بود؛ یعنی مفهومی را که به ذهن متبادر می‌کرد، صرفاً مفهوم یک جای خالی بود. احساس کلی این بود که مفهوم فضا نهایتاً یک مفهوم ریاضی است (لفور، ۱۳۹۰). فضای لفوری (به تعبیری فضای شهری) با فاصله گرفتن از فضای لامتناهی ریاضی‌دانان و فضای ذهنی فیلسوفان وارد حوزه اجتماعی شده است. این فضا به اعتقاد لفور، هم تولید و هم مصرف می‌شود و به تعبیری، نوعی محصول و کالای تولیدی به حساب می‌آید.

پس از لفور، دیوید هاروی[1] به‌عنوان یک جغرافی‌دان مارکسیست نقش مؤثری در بسط و توسعه اندیشه‌های مارکس و لِفور داشت. می‌توان گفت نظریه اقتصاد سیاسی–فضایی دیوید هاروی درواقع چیزی نیست جز امتداد اندیشه مارکس و لفور درباره فضا که با استفاده از ماتریالیسم تاریخی–جغرافیایی سعی در تحلیل نقش فضا و زمان در زندگی اجتماعی دارد (ساندرس[2]، ۱۹۸۱، ص. ۲۲۰). درواقع هاروی با فضامند کردن اندیشه‌های مارکس سعی کرد نشان دهد چگونه نیازها و اولویت‌های انباشت سرمایه‌داری، درنهایت به سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی شهری منجر می‌شود. هاروی در ادامه بسط نظریه لفور، سه‌گانه فضای مطلق، فضای نسبی و فضای رابطه‌ای را مطرح کرد. فضا در آثار هاروی ازجمله «شهری شدن سرمایه» و «هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری» نقش مرکزی و درعین‌حال مناقشه‌برانگیزی دارد. او فضا را اغلب در چارچوب سرمایه‌داری تحلیل می‌کند و چگونگی تولید آن را در چرخه‌های چهارگانه به نمایش می‌گذارد (هاروی[3]، ۱۳۹۲؛ هاروی، ۱۳۹٤).

نیل اسمیت[4] در کتاب خود با عنوان *توسعه نامتوازن: طبیعت، سرمایه و تولید فضا*، درمورد جغرافیای سیاست و سیاست جغرافیا بحث می‌کند. او تلاش می‌کند دو سنت فکری را ادغام کند؛ سنت‌هایی که تا آن زمان ترکیب آن‌ها کمتر جدی گرفته می‌شد. از نظر وی نگاه به جهان

1. David Harvey
2. Saunders
3. Harvey
4. Neil Smith

امروز بدون تصور آن در دستان سرمایه می‌تواند دشوار باشد؛ چراکه در دوره معاصر شاهد بازساخت نوخاسته فضای جغرافیایی، چشمگیرتر از قبل بوده است. صنعت‌زدایی و زوال منطقه‌ای، اعیانی‌سازی و رشد بیش‌ازحد شهری، صنعتی شدن جهان سوم و تقسیم کار جدید بین‌المللی، تشدید ناسیونالیسم و جغرافیای سیاسی جدیدی از جنگ، تحولات جداگانه نیستند، اما نشانه‌های تحول بسیار عمیق‌تر در جغرافیای سرمایه‌داری‌اند (اسمیت[1]، ۱٤۰۰).

منوچهری و رهنمایی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران (مورد: شهر تهران)» به دنبال تحلیل فرایند تولید فضا در ایران معاصر هستند. نویسندگان برای رسیدن به هدف پژوهش، ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، سازمان فضایی کشور، نقش شهر تهران در سازمان فضایی و تغییرات فضایی و کالبدی این شهر را تحلیل کردند. آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که بعد از انقلاب مشروطیت دولت نه‌تنها در فرایند شهرنشینی تأثیرگذار می‌شود، بلکه هم‌زمان با گسترش شهرنشینی، ماهیت فضا را نیز تغییر می‌دهد. دولت شروع به تولید فضایی جدید اقدام می‌کند که ماهیت مصرفی فضا کمرنگ‌تر شده و فضای مبادله‌ای جایگزین آن شده است (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸). امیرحاجلو در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین تولید فضای شهری- موردمطالعه: تهران» به بررسی تولید تاریخی فضای شهری در شهر تهران پرداخت. او در درک کنشگران دخیل در فرایند شهری شدن و مکانیسم‌های رقابت بر سر زمین و تأثیر آن‌ها بر پویش فضا و همچنین رابطه نیروهای بازار جهانی و سیاست‌گذاری‌های محلی در تولید فضای کلان‌شهر تهران سعی کرد. وی به این نتیجه رسید که تولید فضای کلان‌شهر تهران، برآیند محدودیت‌های سیاسی-اقتصادی ایران و ادغام ناقص در فرایند جهانی، به دلیل تحقق نیافتن فضای جریان‌ها است (امیرحاجلو، ۱۳۹٦).

۳. روش‌شناسی تحقیق

ازآنجاکه روش‌های تحقیق عمدتاً مبتنی بر ماهیت موضوع و اهداف هر تحقیقی تنظیم می‌شوند، در این مقاله براساس ماهیت موضوع، روش تحقیق از نوع کیفی و روش انجام مطالعه توصیفی (پس‌رویدادی)-تحلیلی در چارچوب «راهبرد قیاسی-پس‌کاوی» انتخاب شد؛

---

1 .Smith

راهبردی که از توالی منظم مشاهده‌شده آغاز می‌شود، ولی در پی تبیین متفاوتی است؛. بدین معنی که برای انجام تحقیق از شیوه های پژوهشی توصیفی و همچنین برای بررسی روابط بین متغیرها از روش‌های تحلیلی استفاده شده است.

برای نمایش تبلور فضایی تأثیر دولت و سرمایه به بررسی شاخص‌های ساخت شهری، ریخت‌شناسی شهر، روند و میزان گسترش فضایی شهر و تحقق کاربری‌های عمومی پرداخته شد. برای تحلیل موضوع از منظر ساخت شهری، وضعیت میانگین پارامترهای چیدمان فضا شامل هم‌پیوندی فراگیر و محلی و عمقِ شهرک‌های جدید برحسب زمان احداث در شهر زنجان شد تا از این طریق قوت‌ها و ضعف‌های خطوط شبکه راه‌ها از منظر چیدمان فضا تعیین شود؛ بدین منظور، ابتدا ارتباط بین نقاط مختلف فضاها به‌وسیله خطوطی که از لحاظ قابلیت دید و در دسترس بودن، بلندترین خطوط هستند، در نقشه‌ای با عنوان نقشه محوری[1] ترسیم می‌شود. این نقشه براساس طولانی‌ترین امکانات دید و دسترسی‌تهیه می‌شود. برای تحلیل همپیوندی فراگیر نیاز است که این تحلیل به همراه پارامتر عمق انجام پذیرد؛ زیرا پارامتر هم‌پیوندیِ فراگیر با پارامتر عمق نسبتِ عکس دارد.

برای تعیین ضریب هم‌پیوندی، ابتدا متناسب با تعداد کویهای دارای طرح آماده‌سازی، ۳۲ نقشه خط محوری در محیط نرم فزار اتوکد تولید شد. سپس با بازخوانی آن‌ها در نرم‌افزار دِپت مپ[2] پارامترهای آن محاسبه شد. درنهایت با استخراج میانگین پارامترها با تهیه نقشه، جدول و نمودار به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. همچنین برای تحلیل نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری از مدل «چندموضوع –چندبازیگر مکتور» یا به‌عبارتی «ماتریس شرکا و تعارضات: اقدامات، اهداف و پیشنهادات»[3] استفاده شد. این مدل بیان می‌کند که کدام‌یک از بازیگران شهری در روند تولید فضای کنونی شهر براساس مؤلفه‌های چهارگانه تاثیر بیشتری دارند. برای رسیدن به بازیگران اصلی تأثیرگذار از مدل تحلیل دلفی با دریافت نظرهای نخبگان برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی به تعداد ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد. طی فرایند دلفی در قالب پرسش‌نامه ماتریسی، امتیاز

1. Axial Map
2. Depth map
3. Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations

هرکدام از بازیگران براساس اطلاعات وضع موجود شاخص‌ها مشخص شد. مدل‌های چندموضوع-چندبازیگر در مواقعی کاربرد دارند که چند بازیگر در مقابل تعدادی از موضوعات قرار دارند که تکامل آن‌ها در آینده نامشخص بوده و پیش‌بینی آن دشوار است. هدف این مدل‌ها دستیابی به درک بهتر از این موقعیت‌ها و چگونگی تکامل آن‌ها از طریق محاسبه و ملاحظه کردن نفع و اهداف ذی‌نفعان مختلف و روابط بین آن‌هاست (ربانی، ۱٤۰۰).

٤. مبانی نظری تحقیق

واژه «فضا»[1] از مفاهیمی است که به دلیل وسعت و پیچیدگی‌اش نمی‌توان تعریفی همه‌شمول از آن ارائه کرد. درواقع مفهومی نسبی و مبهم بوده که مرزهای تحلیل آن نامحدود است. فضا گستره‌ای سرشار از معانی، کاربردها، نمادها و نشانه‌های گوناگون است؛ ازاین‌رو هریک از علوم تعریف و مفهوم ویژه خود را از فضا دارد، اما اندیشمندان حوزه فضا به‌طور گسترده‌ای هم‌عقیده‌اند که فضا می‌تواند نشان‌دهنده مجموعه به‌هم‌پیوسته، پیچیده از روابط، الگوها، و فرایندهای فیزیکی و اجتماعی باشد (سجا[2]، ۱۹۸۹؛ مسی[3]، ۱۹۹٤، ۲۰۰۵).

مفهوم فضا با ویژگی مطلق و ریاضی که در دیدگاه کلاسیک و سنتی توسط نیوتن، دکارت و ... بیان می‌شد، دگرگون شده و خوانش جدیدی از آن در عرصه فیزیک توسط انیشتین، در عرصه فلسفه توسط لایبنیتس و لِفور، در عرصه‌های علوم اجتماعی و جغرافیا توسط اسمیت و هاروی ارائه شده است؛ خوانشی که فضا را با زمان و رویدادهای اجتماعی پیوند زده و ماهیتی پیچیده‌تر و ارزشمندتر از آن به تصویر می‌کشد. در همین راستا هانری لِفور مفهوم «تولید فضا»[4] را مطرح کرد. او در کتاب *تولید فضا*، با استفاده از مفهوم تولید به معنای مارکسیستی، از «تولید فضا» سخن می‌گوید. به نظر او انسان‌ها به‌عنوان موجودیت‌های اجتماعی، زندگی و خودآگاهی و جهان خود را تولید می‌کنند. هیچ‌چیزی، نه در تاریخ و نه در جامعه وجود ندارد

1. Space
2. Soja
3. Massey
4. Production of space

که تولید نشده باشد. درحقیقت لفور فضا را محصول اجتماعی تعریف می‌کند که حاصل روابط اجتماعی است و درون فرایند روابط، تولید می‌شود. او فضا را وجودی مطلق نمی‌دید که پدیده‌ها و روابط درون آن شکل می‌گیرد (حاجی‌زاده، ۱٤۰۰). همان‌طورکه روابطِ اجتماعی فضا را تولید می‌کند، فضای شکل‌یافته بر روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب همواره رابطه دیالکتیک بین آن‌ها برقرار است و به‌طور مداوم در حال بازتولید یکدیگرند. لفور به‌خوبی به این درک رسید که فضا انتزاعِ انضمامی است که در آن روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارانه در بین توده‌ها پخش می‌شود. او فضا را شکل متبلورشده روابط اجتماعی و طبقاتی یافت که با تحلیل آن به‌درستی به سمت روابط تولید هدایت می‌شود.

برخلاف دیدگاه دیالکتیکی مارکس و هگل، لفور اعتقاد داشت که فضا به‌صورت تریالکتیکی تولید خواهد شد. تولید فضا سطحی از واقعیت و ذهنیت را هم‌زمان درواقعیت های زندگی شهری نمایان می‌کند. آنچه اهمیت دارد عاملیت‌های تولید فضا است که از این طریق، نوعی خودگردانی عام فراگیر به‌واسطه کنشگران به‌صورت بی‌پایان ادامه می‌یابد (آقایی، ۱۳۹۹, ص. ۲۹)؛ بر این اساس، لفور سه‌گانه فضایی خود را با عناوین فضای عمل[1] (فضای مدرک)، فضای متصور[2] (بازنمایی فضایی) و فضای بازنمایی‌شده[3] فضای زیسته مطرح کرد. در تریالکتیک مطرح‌شده توسط لفور، عمل فضایی به همراه بازنمایی فضایی به فضای بازنمایی یا فضای زیسته ختم می‌شود که به ادعای وی فضای زندگی واقعی شهروندان است. درواقع لفور زندگی روزمره در فضای سرمایه‌داری و ارتباط آن با فضای زیست‌شده در تولید فضا را نقد کرد و توانست مبارزات طبقاتی را به نزاع جامعه مدنی، فارغ از جایگاه طبقاتی از یک طرف و فارغ از نگاهی صرفاً اقتصادی به روابط تأثیرگذار بر شهر از طرف دیگر، بکشاند (عبدی حبیبی، ۱٤۰۰، ص. ۱۹). درنهایت می‌توان گفت که لفور به دنبال تولید یک گفتمان دربارهٔ فضا نیست؛ بلکه

1. Spatial practice
2. Representation of Space
3. Spaces of Representation

می‌خواهد با یک‌جا جمع‌کردن انواع فضا و روش‌های پیدایش آن‌ها در یک نظریه، تولید واقعی فضا را نشان دهد (لفور، ۱۳۹۰، ص. ۲٦).

کاستلز در کتاب *مسئله شهری*، در تقابل با دیدگاه سازمان‌دهی‌شده لفور، به نظریه‌ای خاص درمورد فضا معتقد نیست و صرفاً مسئله فضا را بخشی از تئوری‌های اجتماعی قلمداد می‌کند. از دیدگاه وی فضا محصول پیچیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیک و نشانه‌ای است و صرفاً تک‌عاملی نیست، اما اگر بنا باشد، عاملیت‌های اصلی مشخص شوند، کاستلز به تبعیت از منطق آلتوسری، ساختار اجتماعی را مرکب از سیستم اقتصادی و همچنین سیستم‌های سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند که کنش میان آنان فضا را تولید می‌کند (کاستلز، ۱۹۷۲)

برخلاف کاستلز، دیوید هاروی به‌عنوان اندیشمند مارکسیست، برای فضا نقش مرکزی قائل است. او اغلب فضا را در چارچوب سرمایه‌داری تحلیل می‌کند و چگونگی تولید آن را در چرخه‌های چهارگانه به نمایش می‌گذارد. فارغ از چگونگی مکانیزم تولید فضا و بازتولید آن در اجتماع، عاملیت‌های برنامه‌ریز، دولت و انباشت سرمایه (که مستلزم گردش است) از پایه‌ای‌ترین ائتلاف‌های تولید فضا در نظریه هاروی به شمار می‌روند. سرمایه‌داری در رأس هرم و دولت و برنامه‌ریز در تبیین سرمایه از عناصر اصلی به شمار می‌روند. سیاست‌های شهری که مرکب از سه رکن اساسی (سرمایه، دولت و برنامه ریزی) است، در تعقیب ائتلاف طبقه حاکم به تبیین ایدئولوژی می‌پردازند (هاروی، ۱۹۸۵).

هاروی براساس اندیشه‌های مذکور، نظریه اقتصادِ سیاسی-فضایی را در امتداد اندیشه مارکس و لِفور درباره فضا مطرح می‌کند و با استفاده از ماتریالیسم تاریخی-جغرافیایی سعی در تحلیل نقش فضا و زمان در زندگی اجتماعی دارد (ساندرز[1]، ۱۹۸۱، ص. ۲۲۰). درواقع هاروی با فضامند کردن اندیشه‌های مارکس سعی دارد نشان دهد چگونه نیازها و اولویت‌های انباشت سرمایه‌داری، درنهایت به سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی شهری منجر می‌شود.

1. Saunders

مسئله‌ای که در رابطه با فضای شهری و دخالت دولت در تولید فضا مطرح است، این است که چرا اساساً جامعه، دولت را به‌عنوان نهاد تنظیم‌کننده کاربری اراضی شهری (فضای شهری) انتخاب می‌کند؟ (لای وای چانگ[1]، ۱۹۹٤) بسیاری از پاسخ‌ها از «اقتصاد رفاه پیگویی»[2] استفاده کرده‌اند که از مفهوم شکست بازار برای پاسخ‌گویی به مداخلات بخش عمومی استفاده می‌کند (الکساندر[3]، ۲۰۰۱). در برنامه‌ریزی فضایی شهری نیز همین منطق، مداخله بخش عمومی را توجیه می‌کند؛ در غیر این صورت، بازار املاک و مستغلات خودانگیخته و فرایند توسعه کنترل‌نشده وجود خواهد داشت (شریف‌زادگان و حسین‌آبادی، ۱۳۹۹؛ موری[4]، ۱۹۷۸؛ میلز[5]، ۲۰۰۹).

۵. یافته‌های تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد تولید فضای شهری در ایران تا پایان دوره قاجار نتیجه ارتباط و تعامل ساده شهروندان با شهر و محیط طبیعی پیرامون بوده و رویکرد دولت به فضای شهری، فضایی برای زندگی بوده است، اما از ابتدای سده اخیر با کشف و استخراج نفت در ایران و تعریف جایگاه و نقش کشور در تقسیم کار جهانی، تعاملات پیش‌گفته دگرگون شد و روابط تولید متمرکز و روندی برنامه ریزی شده به خود گرفت؛ به این ترتیب نقش مردم در تولید فضای شهری به حاشیه رفت و روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر شد؛ چراکه ساختارهای شهری بازتابی از اراده سیاسی و قدرت‌های اقتصادی بود. درمقابل، نقش دولت و قدرت سیاسی در تولید فضا به لطف ابزارهایی چون قوانین و مقررات، برنامه‌ریزی و برنامه محوری، طرح‌های توسعه شهری و... به‌طور روزافزون بیشتر شد. در این مرحله شهر ایرانی کالبد خود را برای حضور وگردش سرمایه مهیا می‌کرد. این به معنای احساس نیاز به مدیریت فضای شهری است و نتیجه آن قرار گرفتن تولید فضا و تغییر آن در مدار برنامه و تولد برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه شهری به‌منظور تعیین کاربری و تقسیم کارکردی زمین، نقشه خیابان‌ها،

---

1. Lai Wai Chung
2. Pigouvian Welfare Economics
3. Alexander
4. Moore
5. Mills

میدان‌ها و فضاهای عمومی بود؛ به این ترتیب بازنمایی فضایی[1] با کمترین ایفای نقش از طرف مردم بسط یافت؛ به‌عبارتی شهروندان در فرایند ایجاد فضای متصور از تولید کننده فضا درگذشته به مصرف‌کننده فضا در دوره معاصر تبدیل شدند. برای تحلیل و ارائه نتایج علمی و مستدل از تأثیر دولت و سرمایه به‌عنوان عاملان اصلی تولید فضای شهری زنجان، شاخص‌های گسترش فیزیکی و تحولات کالبدی شهر، ساخت شهر، ریخت‌شناسی[2] شهر و میزان تحقق کاربری‌های عمومی تحلیل و بررسی شد.

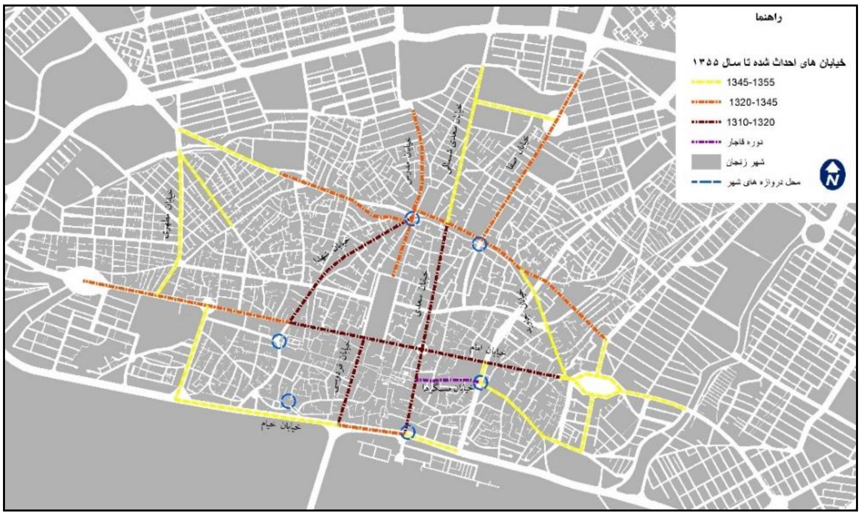
۵. ۱. روند گسترش فیزیکی و تحولات کالبدی

بررسی ها نشان می‌دهد تا پایان دوه قاجار نقش حکومت و دولت در تولید فضای شهری زنجان بسیار محدود و در حد تک‌بناهای مساجد و برخی میدان‌های شهری بود، اما پس از استقرار دولت پهلوی و هم‌زمان با موج نوگرایی شرایط تغییر کرد. نخستین مداخلات در کالبد شهر مطابق برنامه‌ها و طرح‌های از قبل اندیشه‌شده آغاز شد و طی سال‌های ۱۳۱۲–۱۳۱۰ ه‌ش، خندق‌های شمال شرقی و شمال غربی شهر پر شد و خیابان شهدای امروزی روی آن احداث شد. در ادامه این روند و با تصویب قانون «تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها»، دومین خیابان شهر با نام خیابان پهلوی (امام امروزی) به طول تقریبی دو کیلومتر احداث شد و بلافاصله پس از اتمام آن خیابان‌های سوم و چهارم شهر به نام‌های خیابان نظامی (سعدی امروزی) به طول ۱/۳ کیلومتر و فردوسی به طول حدود ۶۰۰ متر در دستور کار قرار گرفت و تا سال ۱۳۲۰ احداث آن‌ها به پایان رسید (ثبوتی، ۱۳۹۱، ص. ۷٤)؛ به این ترتیب طی ده سال، پنج کیلومتر خیابان شهری در دل بافت موجود شهر زنجان احداث شد و ساختار کالبدی شهر را به‌یک‌باره دگرگون کرد. علاوه‌بر تغییرات حاصل از خیابان‌کشی، احداث بناهای رختشوی‌خانه، کارخانه برق، کارخانه کبریت، احداث خط راه آهن و ایستگاه راه آهن زنجان، عمارت دارایی، مسجد عباسقلی خان و... از دیگربناها و فضاهای شهری‌ای بود که دولت به‌طور مستقیم احداث کرد. همه این تغییرات با توسعه فضای فیزیکی شهر نیز همراه است؛ به‌نحوی‌که در طول سال‌های ۱۳۲۰–۱۳۰۰ مساحت شهر از ۱۵۸,٦ هکتار به ۲٦۹ هکتار (۱,۷

1. Representation of Space
2. Morphology

برابر) افزایش پیدا کرد. این روند در دوره پهلوی دوم، متأثر از تحولات اقتصادی و سیاسی، اصلاحات ارضی، مهاجرت روستا-شهری، اجرای طرح‌های توسعه کالبدی و... ادامه یافت و شهر زنجان وارد مرحله رشد شتابان شهری شد؛ به‌نحوی‌که جمعیت شهر از حدود ۳۹٤٥۰ نفر در سال ۱۳۲۰ به ۱۰۰۳٥۱ نفر در سال ۱۳٥٥ رسید و به تبعیت از افزایش جمعیت، مساحت کالبدی شهر از ۲٦۹ هکتار در سال ۱۳۲۰ به ٦٦۸ هکتار در سال ۱۳٥٥ رسید؛ به‌عبارتی در طول دوره ۳۷ ساله جمعیت و مساحت شهر ۲/٥ برابر افزایش یافت.

در این دوره شکل‌گیری نهادهای مرتبط با برنامه‌ریزی و شهرسازی نقش دولت را در تولید فضای شهری پررنگ تر کرد. تشکیل این نهادها زمینه را برای تهیه طرح‌های جامع شهری در قالب برنامه چهارم توسعه در کشور فراهم کرد. در این راستا در دوره برنامه پنجم توسعه، طرح جامع شهر زنجان تهیه و تصویب شد؛ به این ترتیب برای اولین بار شکل‌گیری کلِ فضای شهر، تحت برنامه و نقشه از پیش طراحی‌شده قرار گرفت تا فضای متصور در سراسر شهر امکان وقوع یابد. در قالب این طرح محلات جدیدی چون شهرک کارمندان، کوی فرهنگ، هنرستان، فاتح، وحیدیه، انصاریه و... با بافتی متفاوت از بافت موجود و با الگوی شطرنجی و خیابان‌های مستقیم و عریض شکل گرفت و مبنای شکل‌گیری محلات جدید در پیرامون شهر شد. می‌توان گفت در این دوره بازنمایی فضایی (فضای متصور) در مقابل فضای عمل به شکل غالبِ فضای شهری زنجان تبدیل شد.



شکل ۱. خیابان‌های احداث‌شده تا پایان دوره پهلوی

مأخذ: طرح جامع شهر زنجان، ۱۳۹۷

با وقوع انقلاب اسلامی و در وضعیت هرج‌ومرج دوره ابتدایی بعد از انقلاب، رشد فضای شهری زنجان شرایط آشفته‌ای یافت. شهر، بی‌هیچ برنامه‌ای در حومه گسترش یافت؛ قیمت زمین و مسکن سر به فلک کشید و مهاجرت روستا-شهری نیز روز به روز تشدید شد. حکومت انقلاب راه حل بحران را در تصویب و اجرای قوانین به ویژه قانون زمین شهری و ورود مستقیم به موضوع زمین و مسکن جستجو کرد. دخالت مستقیم دولت در تولید مسکن بُعد جدیدی از نقش‌آفرینی حکومت در تولید فضای شهری در کشور و شهر زنجان است. طبق مستندات دریافت‌شده از راه و شهرسازی استان زنجان، پس از انقلاب اسلامی بیش از ٦٠ هزار واحد مسکونی با دخالت دولت در زنجان احداث شده که ۳۱۵۰۰ واحد به‌طور مستقیم به دست دولت و باقیمانده در قالب پروژه‌های مشارکتی و واگذاری زمین انجام شده است؛ به این ترتیب ۵۷۰ هکتار از فضای شهری زنجان به‌طور مستقیم توسط دولت برای احداث واحدهای مسکونی در دوره بعد از انقلاب شکل گرفته و ۵۰۰ هکتار دیگر با دخالت غیر مستقیم دولت در اشکال مختلف پدید آمده است.

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که علاوه‌بر دخالت مستقیم دولت در تولید فضای شهری، شکل دیگری از نقش دولت در این زمینه در قالب تعاونی های مسکن کارکنان دولت

قابل‌ردیابی است. قدرتمندترین و پرنفوذترین تعاونی های مسکن در شهر زنجان، تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت است و بخش عمده‌ای از کوی‌های واقع در مناطق توسعه جدید توسط این دسته از تعاونی‌ها آماده‌سازی و به مرحله احداث رسیده است. این شرکت‌ها با استفاده از نفوذ خود در سیستم اداری با کمترین موانع به خواسته‌های خود جامه عمل پوشانده‌اند. شرکت‌های یادشده بدون توجه به مالکیت یا عدم مالکیت زمین برای کارکنان، به عضوگیری پرداخته‌اند و به عرضه زمین‌های تفکیکی، خارج از نیاز مصرفی مسکن اقدام کرده‌اند. ازآنجاکه اغلب اعضای تعاونی‌های دارای واحد مسکونی بوده‌اند، پس از رشد قیمت اولیه، زمین متعلق به خود را در بازار آزاد به فروش رسانده‌اند و به این ترتیب زمین مسکونی را وارد چرخه بورس زمین کرده‌اند.

همان‌طورکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۹۷۲ هکتار اراضی دارای طرح آماده‌سازی در شهر زنجان، ۱۰٤٤ هکتار (معادل ۵۳ درصد) متعلق به تعاونی‌های کارکنان دولت، ۸۱۹ هکتار (معادل ٤۱,۵ درصد) واگذاری مستقیم زمین توسط دولت برای ساخت مسکن و درنهایت سهم بخش خصوصی تنها ۱۰۸,٦ هکتار (معادل ۵,۵ درصد) از کل اراضی آماده‌سازی شده است؛ به این ترتیب مشخص می‌شود، ۹٤,۵ درصد از کل اراضی آماده‌سازی شده توسط دخالت مستقیم دولت در واگذاری زمین یا تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت صورت گرفته است که گویای نقش بدون منازع دولت در تولید بخش عمده فضای شهری زنجان است.

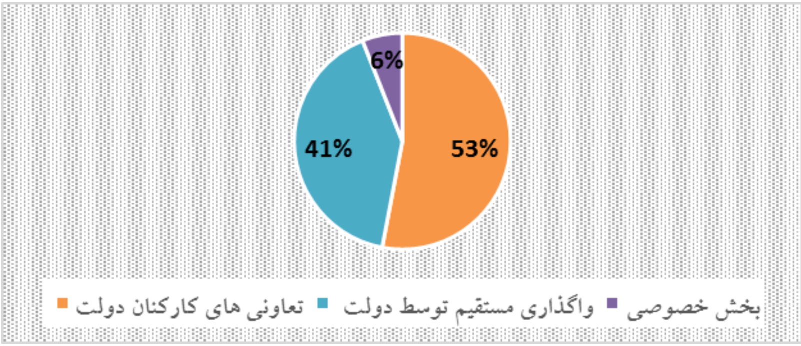
جدول ۱. سهم دولت، نهادهای مرتبط با دولت و بخش خصوصی در عرضه و توسعه زمین مسکونی در قالب طرح‌های آماده‌سازی

مأخذ: مطالعات نگارنده براساس اطلاعات اخذشده از اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان،۱۴۰۰

شرکت‌های تعاونی مسکن کارکنان دولت			
نام کوی	مساحت کل	خالص مسکونی	تعداد قطعات
گلشهر	۴۸۰	۱۶۲,۴	۸۰۵۶
منظریه	۸,۵	۸,۹	۵۸۱
اندیشه	۱۵۰,۶	۱۳,۱	۵۳۰
کارمندان	۱۲۰	۶۸,۶	۱۷۳۸
نارون	۱۴,۶	۳۹,۵	۲۲۹۶
شهرک غرب	۳۵,۷	۱۵	۸۳۶
زیباشهر	۵۷,۷	۲۵,۳	۱۲۸۱
شهریار	۲۲,۱	۲۱,۲	۱۰۵۰
بهارستان	۳۰	۱۳,۳	۶۳۰
فرهنگیان	۴۷	۱۸,۵	۱۱۳۷
لاله	۲۱,۳	۸	۴۱۴
اراضی ثبت	۱۲,۵	۳,۷	۱۶۳
شهرآرا	۶۱	۱۲,۳	۵۹۹
کوی فرهنگ	۱۱۵	۶۵,۸	۲۹۸۶
کوی صدرا	۱۷,۶	۷,۴	۴۰۲
کوی امید	۵,۲	۱,۸	۳۶
الهیه	۱۹۱	۸۰	۴۴۰۹
دارایی	۱۲,۵	۶,۷	۲۳۱
مجموع	۱۰۴۴	۵۷۲,۵	۲۱۳۷۵

واگذاری مستقیم به فاقدین زمین و مسکن از طریق دولت			
نام کوی	مساحت کل	خالص مسکونی	تعداد قطعات
نصر و فجر	۳۰,۵	۱۰,۵	۶۳۳
علوم پایه	۳۰	۶,۸	۳۷۸
پونک	۱۴۸	۱۵,۹	۶۵۶
امیرکبیر	۵۰	۱۷,۷	۱۱۰۹
آزادگان	۵۶	۱۱,۴	۶۳۶
پایین کوه	۱۶۲	۲۶,۴	۱۴۰۴
شرق انصاریه	۵۵,۴	۱۱,۹	۴۸۶
انصاریه	۶۶,۷	۳۳,۵	۱۵۲۱
کوی قائم	۵۶	۱۶,۴	۹۱۵
کوی زیتون	۱۲۲	۴۲	۸۴۰
کوی ثمین	۲۱,۴	۷,۵	۴۶۰
مهرآرا	۱۴,۵	۶	۳۷۰
کوی ثمین ۲	۱۲۰	۴۰	۱۳۳
کوی زنگان	۷۵	۲۶	۴۵۰
مجموع	۸۱۹	۲۷۲	۹۹۹۱

تعاونی‌های مسکن غیردولتی و توسعه‌گر خصوصی			
نام کوی	مساحت کل (هکتار)	خالص مسکونی	تعداد قطعات
زعفرانیه	۲,۳	۱,۸	۴۷
کوی نگین	۱۰,۵	۳,۵	۲۰۳
نیکسازان	۳۳,۷	۷,۴	۲۸۷
کوی خرداد	۵۶,۳	۲۷,۷	۹۳۲
مصلی	۵,۸	۲۷,۸	۱۱۸
مجموع	۱۰۸,۶	۴۳,۲	۱۵۵۸



شکل ۲. نمودار سهم دولت، نهادهای مرتبط با دولت و بخش خصوصی در توسعه زمین مسکونی در شهر زنجان

مأخذ: مطالعات نگارنده براساس اطلاعات اخذشده از اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان،۱٤۰۰

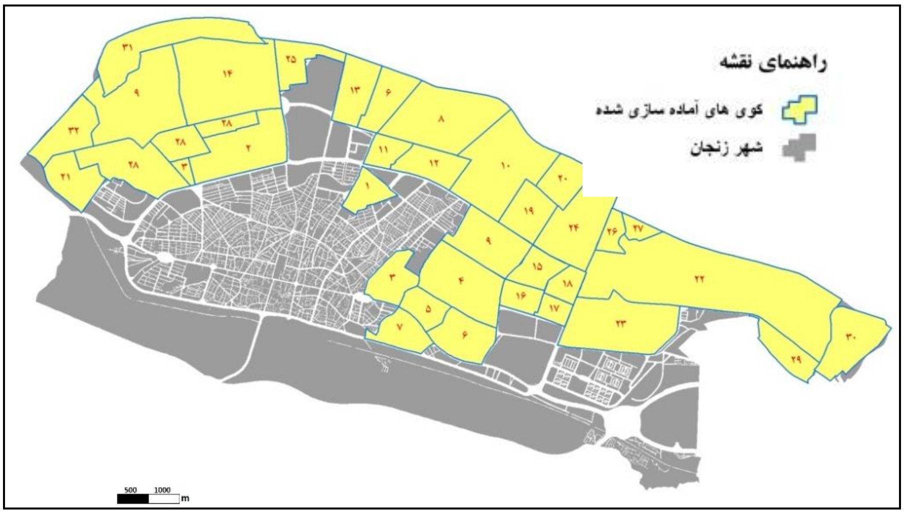
به‌طورکلی طی دوره ۱۰۰ ساله معاصر، مساحت شهر زنجان از ۱۸۹ هکتار به ٦۲٤۲ هکتار رسیده است که افزایش ۳۳ برابری را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که مراجعه به آمارهای جمعیتی در همین دوره نشان می‌دهد که جمعیت شهر از حدود ۲۰ هزار نفر به ٤٥۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده و به‌عبارتی ۲۲,٥ برابر شده است. این امر حاکی از پیشی‌گرفتن توسعه کالبدی شهر نسبت به افزایش جمعیت آن است. از این گزاره می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از گسترش کالبدی شهر، خارج از نیاز مصرفی صورت گرفته است. دلیل این موضوع را می‌توان در غلبه بیش از پیش ارزش مبادله‌ای زمین و مسکن به ارزش مصرفی آن دانست که موجب بورس‌بازی زمین و به‌عنوان محلی برای کسب سود شده است. عرضه زمین، مازاد بر نیازِ شهر در قالب طرح‌های آماده‌سازی با استفاده از قانون زمین شهری در کنار سایر قوانین و مقررات، نقش پررنگ دولت در ایجاد چنین وضعیتی را روشن می‌کند. افزایش چندین برابری محدوده شهر زیر فشار و نفوذ گروه‌های خاص در قالب تعاونی‌های مسکن صورت گرفته است که به‌نوعی به بدنه دولت متصل بوده‌اند. گروه‌های ذی‌نفوذ در رقابت با یکدیگر در تلاش بودند تا سهم بیشتری از ارزش افزوده حاصل از رانت زمین را برای خود به دست آورند؛ درنتیجه می‌توان گفت انگیزه کسب سود عاملی مهم در تولید فضای شهر زنجان بوده است؛ به عبارت دقیق‌تر، انگیزه کسب سود یکی از مهم‌ترین علل افزایش بی‌رویه محدوده شهر زنجان در قالب

طرح‌های آماده‌سازی بوده که با همراهی دولت و در بستر قانون زمین شهری امکان وقوع یافته است.

۵. ۲. ساخت شهر

ساخت شهر نتیجه فرایندهای فضایی موجود در شهر و عوامل تولید فضا ازجمله دولت و سرمایه است؛ به عبارت دیگر یکی از مؤلفه‌های مهم در تبیین تولید فضا به‌ویژه در چهارچوب بررسی نقش سرمایه از طریق رانت زمین، ساخت شهری است (توسلیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۱). این مؤلفه به‌عنوان یک مؤلفه وابسته به فرایند شهری شدن رانت از طریق عرضه زمین مسکونی در چهارچوب اجرای طرح‌های آماده‌سازی زمین است. شاخص ساخت شهر در طول دوره رشد شهر زنجان از طریق الحاق به محدوده و اجرای طرح‌های آماده‌سازی با استفاده از مدل چیدمان فضا[1] شامل «ضریب هم‌پیوندی» در مقیاس فراگیر و محلی و «میانگین عمق» بررسی شده است؛ بر این اساس، ابتدا متناسب با تعداد کوی‌های دارای طرح آماده‌سازی، ۳۲ نقشه خط محوری در اتوکد ترسیم و در محیط نرم‌افزار depthmap فراخوانی شد و پارامترهای آن محاسبه شد. درنهایت با استخراج میانگین پارامترها با تهیه نقشه، جدول و نمودار به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. در این مرحله، ابتدا برای تعیین محدوده کوی‌ها براساس جدول ۲، شکل ۳ تهیه شد و به‌ترتیب زمان احداث آن‌ها شماره‌گذاری شد.

1. Syntax Space



شکل ۳. نقشه تعیین محدوده شهرک‌های دارای طرح آماده‌سازی به‌ترتیب زمان احداث

مأخذ: مطالعات نگارنده با استفاده از اسناد موجود در اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان، ۱٤۰۰

نتیجه محاسبات ضریب هم‌پیوندی فراگیر، محلی و عمق در جدول ۲ آورده شده و برای درک فضایی مناسب و امکان تحلیل فضایی این ارقام در قالب شکل‌های (نقشه‌های) ٤ و ۵ به تصویر کشیده شده است. بررسی اطلاعات مندرج در جدول و نقشه‌های مذکور نشان می‌دهد، محورهای امام خمینی و سعدی به علت طول زیاد، انحنای کم و تعداد فراوان معابر منشعب‌شده از آن‌ها از بیشترین میزان هم‌پیوندی در سطح زنجان برخوردار هستند. درمجموع بافت مرکزی شهر با میانگین هم‌پیوندی فراگیر ۱/۳۱۷، میانگین هم‌پیوندی محلی ۱/۷۷ و میانگین هم‌پیوندی عمق ۵/۰۱۱، حاکی از شرایط مناسب از بعد شاخص هم‌پیوندی است، اما با فاصله‌گرفتن از محورهای اصلی به‌خصوص در بافت‌های ارگانیک و نامنظم از میزان این هم‌پیوندی کاسته می‌شود. در نقشه مذکور با حرکت از رنگ آبی به سمت رنگ قرمز بر میزان هم‌پیوندی میان معابر و فضاها افزوده می‌شود؛ به بیان دیگر کیفیت در دسترسی بودن فضا افزایش می‌یابد.

بررسی پارامترهای چیدمان فضا در کوی‌های دارای طرح آماده‌سازی حاکی از ضریب مناسب هم‌پیوندی کوی کوچمشکی با میزان ۱/۳۰۵ به‌عنوان اولین محدوده دارای طرح آماده‌سازی است. محله‌های وحیدیه، هنرستان، فاتح، سرجنلگداری که از نظر زمانی به‌ترتیب

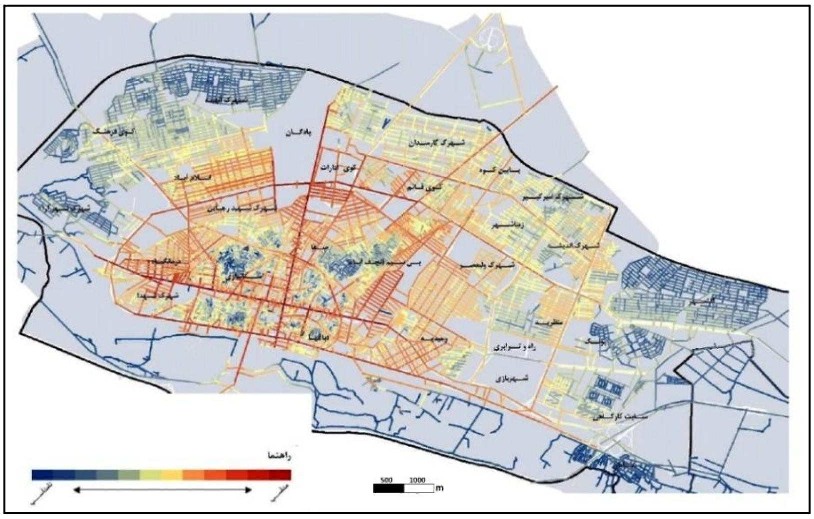
بعد از کوچمشکی شکل گرفته‌اند نیز از نظر شاخص هم‌پیوندی وضعیت مناسب دارند، اما هرچه به لحاظ زمانی جلوتر می‌رویم، از ضریب هم‌پیوندی کوی‌های دارای آماده‌سازی کاسته می‌شود؛ به‌ویژه محدوده‌هایی که توسط تعاونی‌های مسکن کارکنان دولت یا محدوده‌هایی که تولید مسکن حمایتی در آن صورت گرفته است، ضریب هم‌پیوندی کمی دارند. دلیل این امر، مکان‌یابی نامناسب، توسعه گسسته و منفصل و ضعف در طراحی شبکه معابر برخی از آن‌ها است. کوی‌های گلشهر، پونک، فرهنگیان و کوی تازه‌احداث زنگان و...، به‌ترتیب با ضریب هم‌پیوندی فراگیرِ ۱/۲۲۵، ۱/۲۲۹، ۱/۲۱۲ و ۱/۲۳۲ از آن جمله‌اند.

جدول ۲. میانگین پارامترهای هم‌پیوندی فراگیر و محلی و عمق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

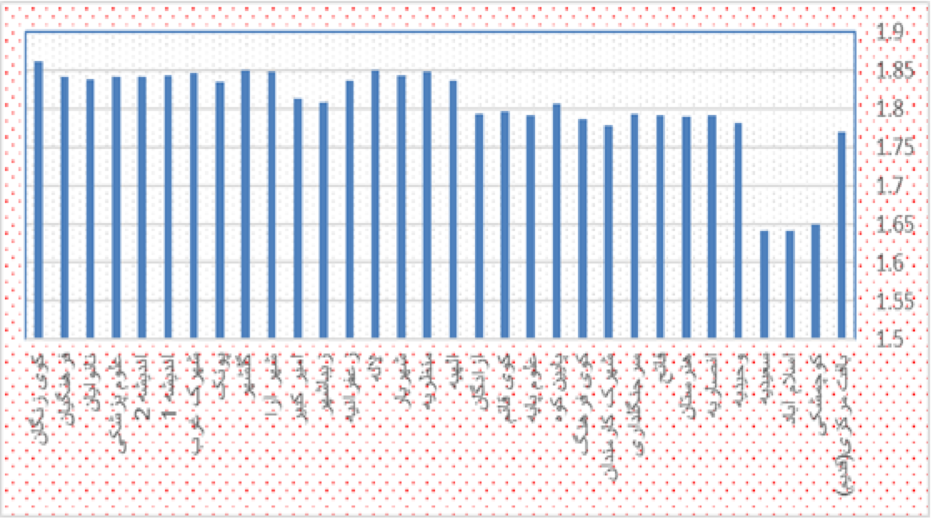
ردیف	نام محل	میانگین هم‌پیوندی فراگیر	میانگین هم‌پیوندی محلی	میانگین هم‌پیوندی عمق
۰	بافت مرکزی (قدیم)	۱/۳۱۷	۱/۷۷۰	۵/۰۱۱
۱	کوچمشکی	۱/۳۰۵	۱/٦٤۹	۵/۰۰٤
۲	اسلام آباد	۱/۳۰۲	۱/٦٤۱	۵/۰۱٦
۳	سعیدیه	۱/۳۰۲	۱/٦٤۱	۵/۰۱٦
۳	وحیدیه	۱/۳۱۵	۱/۷۸۲	۵/۰٤۱
٤	انصاریه	۱/۳۰۱	۱/۷۹۲	۵/۰۸٤
۵	هنرستان	۱/۲۹۷	۱/۷۸۹	۵/۰۵۵
٦	فاتح	۱/۲۹۵	۱/۷۹۱	۵/۰۵۱
۷	سرجنگلداری	۱/۲۹۰	۱/۷۹۳	۵/۰٦۱
۸	شهرک کارمندان	۱/۳۲۷	۱/۷۷۸	٤/۹٤۵
۹	کوی فرهنگ	۱/۲۹٦	۱/۷۸٦	۵/۰۹۱
۱۰	پایین کوه	۱/۲۹٤	۱/۸۰٦	۵/۰٤۱
۱۱	علوم پایه	۱/۲۹۰	۱/۷۹۲	۵/۰۸۱
۱۲	کوی قائم	۱/۲۹۸	۱/۷۹٦	۵/۰٦۹
۱۳	آزادگان	۱/۲۹۰	۱/۷۹٤	۵/۰۸۲
۱٤	الهیه	۱/۲۹۰	۱/۸۳۷	۵/۱٦۹
۱۵	منظریه	۱/۲۳٦	۱/۸٤۸	۵/۵٤۷
۱٦	شهریار	۱/۲۸۱	۱/۸٤۳	۵/۱۵۷
۱۷	لاله	۱/۲۳۷	۱/۸۵۰	۵/۵۵۰

ردیف	نام محل	میانگین هم‌پیوندی فراگیر	میانگین هم‌پیوندی محلی	میانگین هم‌پیوندی عمق
۱۸	زعفرانیه	۱/۲۹۱	۱/۸۳۷	۵/۱٦۹
۱۹	زیباشهر	۱/۳۱۱	۱/۸۰۹	۵/۰۵٤
۲۰	امیر کبیر	۱/۳۰٤	۱/۸۱۳	۵/۰۸۲
۲۱	شهر آرا	۱/۲۳۲	۱/۸٤۸	۵/۵۷٦
۲۲	گلشهر	۱/۲۲۵	۱/۸۵۰	۵/٤۱۱
۲۳	پونک	۱/۲۲۹	۱/۸۳۵	۵/۵٦٦
۲٤	شهرک غرب	۱/۲۳۰	۱/۸٤۷	۵/۵۹٦
۲۵	اندیشه ۱	۱/۲۳۰	۱/۸٤٤	۵/۵۹۵
۲٦	اندیشه ۲	۱/۲۱٦	۱/۸٤۲	۵/٦۲۷
۲۷	علوم پزشکی	۱/۲۱٦	۱/۸٤۲	۵/٦۲۷
۲۸	نانوایان	۱/۲۱۵	۱/۸۳۹	۵/٦٦۰
۲۹	فرهنگیان	۱/۱۲۱	۱/۸٤۱	۵/٦۹۹
۳۰	کوی زنگان	۱/۲۳۲	۱/۸٦۱	۵/۷۰۸
۳۱	زیتون	۱/۲۲۵	۱/۸٤۱	۵/۷۰۰
۳۲	ثمین ۲	۱/۲۲۸	۱/۸۳۹	۵/۷۰۳



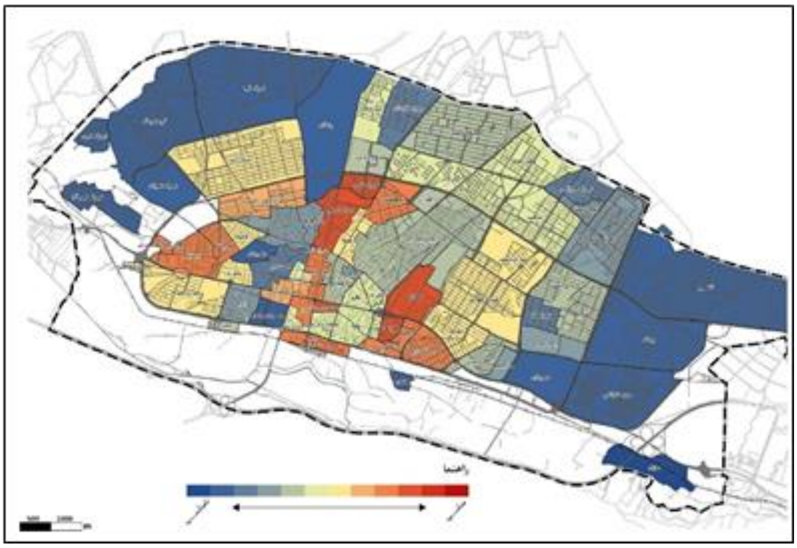
شکل ٤. نقشه خطی هم‌پیوندی فضای شهری زنجان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱٤۰۰



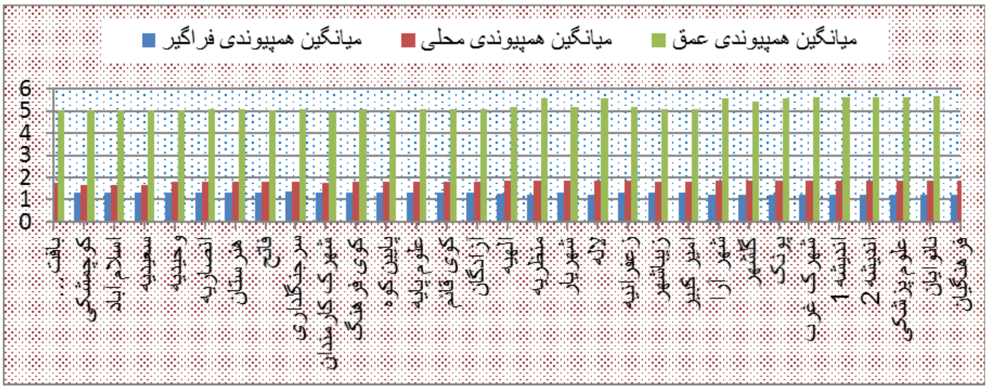
شکل ۵. نمودار وضعیت هم‌پیوندی محلی کوی‌های دارای طرح آماده‌سازی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ٦. نقشه ضریب هم‌پیوندی محلات شهر زنجان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۷. نمودار میانگین پارامترهای هم‌پیوندی فراگیر و محلی و عمق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

با توجه به شکل ۷، میانگین هم‌پیوندی فراگیر با عمق نسبت عکس دارد؛ یعنی در دوره‌ای که هم‌پیوندی فراگیر افزایش داشته است، عمق در آن دوره کاهش یافته است؛ به‌عبارتی می‌توان گفت، زمانی که میزان عمق یا تعداد تغییر جهت‌ها بیشتر شود، میزان هم‌پیوندی فراگیر شهر کاهش می‌یابد و برعکس؛ به همین دلیل برای تحلیل هم‌پیوندی فراگیر نیاز است که این تحلیل به همراه پارامتر عمق انجام پذیرد.

۵. ۳. ریخت‌شناسی بافت شهر

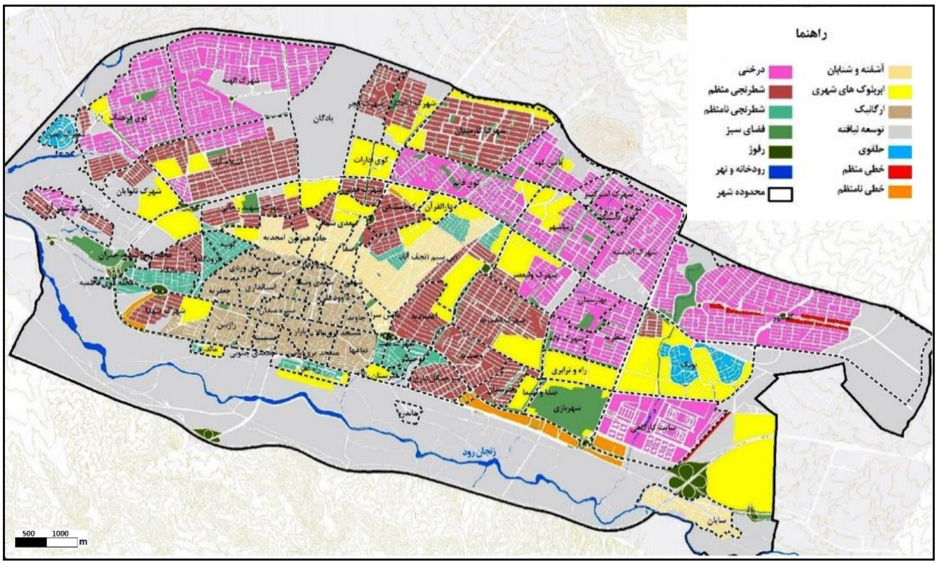
یکی از آثار کالبدی-فیزیکی نقش دولت و سرمایه در فضای شهری در ریخت‌شناسی و مورفولوژی شهری نمایان می‌شود. با بررسی ریخت‌شناسی بافت شهر زنجان، به‌طورکلی دو الگوی «بافت‌های دارای ساختار هندسی منظم» و «بافت‌های فاقد ساختار هندسی منظم» را می‌توان تشخیص داد.

بافت دارای ساختار هندسی منظم: این نوع بافت‌ها که همان فضای بازنمایی هانری لفور است، طرح از پیش طراحی‌شده دارند. این الگو حاصل دخالت برنامه‌ریزی‌شده دولت و سرمایه در تولید فضای شهری است. این نوع بافت‌ها از یک طرف به دلایلی چون یکسان‌سازی فضا، سهولت دسترسی، خوانایی و امکان کنترل بیشتر، مطلوب دولت است و از طرف دیگر به دلیل امکان تحصیل حداکثر قطعات مسکونی از زمین، سهولت اجرا، انطباق با

زندگی امروزی، ماشین‌محوری و امکان گسترش آسان مطلوب سرمایه است؛ ازاین‌رو همه توسعه‌های جدید در بافت‌های پیرامونیِ شهر زنجان از این نوعِ الگو تبعیت می‌کنند. الگوی مذکور در سه شکل شطرنجی منظم، حلقوی–شعاعی و درختی (شبکه‌ای) نمود دارد. حدود ۷۸ درصد از بافت شهر زنجان از نوع الگوی بافت دارای ساختار هندسی منظم است.

بافت‌های فاقد ساختار هندسی منظم: این نوع بافت شهری نظم روشن و ساختار هندسی مشخصی ندارد؛ البته این امر به معنی فقدان ساختار هندسی یا آشفتگی در همه گونه‌های این الگو نیست. این نوع بافت‌ها عمدتاً فاقد طرح از پیش طراحی‌شده‌اند. درحقیقت این الگو را می توان معادل «فضای عمل» لفوری قلمداد کرد. این بافت‌ها خود به دو گروه واجد سلسله‌مراتب قابل‌تشخیص و فاقد آن تقسیم می‌شوند؛ بافت‌هایی همچون ارگانیک، شطرنجی نامنظم و خطی نامنظم در گروه اول و بافت‌های حاصل از گسترش آشفته و شتابان یا توسعه نیافته در گروه دوم جای می‌گیرند. حدود ۲۲ درصد از بافت شهر زنجان از نوع الگوی بافت فاقد ساختار هندسی منظم است.

محلات زینبیه، داوود قلی، دباغ‌ها و سعدی جنوبی که در هسته مرکزی و کهن شهر زنجان واقع شده‌اند، در زمره بافت‌های ارگانیک به شمار می‌آیند. در شکل ۸ ریخت‌شناسی بافت کالبدی شهر زنجان مشاهده می‌شود.



شکل ۸. نقشه ریخت‌شناسی بافت کالبدی شهر زنجان

مأخذ: طرح جامع شهر زنجان، ۱۳۹۷

۵. ٤. میزان تحقق کاربری‌های عمومی

کاربری‌های عمومی و معابر شهری در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی شهر پیشنهاد می‌شود. هدف از بررسی این موضوع، تبیین تولید هدفمند فضا توسط سرمایه است. برای نیل به این مقصود بررسی تحقق‌پذیری طرح‌های جامع و تفصیلی درخصوص کاربری‌های عمومی و همچنین نقش کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری در اعمال تغییرات در طرح‌ها (با هدف کسب سود از فضای شهری) می‌تواند مؤثر باشد.

تولید فضا (شهری) توسط سرمایه تنها با یک هدف صورت می‌گیرد و آن ایجاد ارزش افزوده و بازتولید سرمایه است؛ بنابراین سرمایه به تولید فضاهایی علاقه‌مند است که امکان ارزش افزوده از طریق آن‌ها وجود دارد. مسلم است که این فضاها، فضاهای عمومی و غیرانتفاعی چون فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، فضای سبز و غیره نیست؛ بلکه فضاهای تجاری، مسکونی و کاربری هایی از این جنس است.

بررسی وضعیت تحقق سرانه کاربری‌های عمومی پیشنهادی طرح تفصیلی شهر زنجان این موضوع را تأیید می‌کند. در جدول ۳ کمبود سرانه کاربری‌های عمـومیِ مقیـاس شـهری آورده شده است. همان‌طورکه در جدول مذکور مشاهده می‌شود، درمجموع شهر زنجـان نسـبت بـه سرانه‌های معیارِ شورای عالی شهرسازی و معماری با ۲۷٦ هکتار کمبود سرانه خدماتی مواجه است که با توجه به جمعیت ٤۳۰ هزار نفری و مساحت ۲۵۰۰ هکتاری شهر زنجان رقم بسیار زیادی محسوب می‌شود؛ حال آنکه براساس مطالعات طرح جامع، میـزان کـاربری تجـاری در سطح شهر برابر با ۷۸ هکتار و سرانه آن معادل ۱/۹ است که مازاد بر نیاز شهر اسـت. مطالـب مذکور و آمار جدول زیر بیانگر تأثیر آشکار سرمایه در تولید فضای شهری زنجان است.

جدول ۳. وضعیت سرانه‌های خدماتی و خدمات رفاه عمومی در مقیاس شهر در وضع موجود (سال ۱٤۰۰)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

کاربری		شهری			
		مساحت (مترمربع)	سرانه موجود	سرانه معیار	کمبود/مازاد
خدمات رفاه عمومی	آموزش تحقیقات و فناوری	۳٤۱٦۱۷	۰/۸۵	۳/۷۰	-۱۱۳۸۷۷٦
	آموزشی	۲٤۹۲۰	۰/۰٦	۰/۳۰	-۹۵۱۱۱
	ورزشی	٤۵٦۳٤۷	۱/۱٤	۱/۲۵	-٤۳۷۸۵
	فرهنگی-هنری	۹۲۷۱۵	۰/۲۳	۰/۵۰	-۱۰۷۳۳۸
	مذهبی	٦۸۱۹۳	۰/۱۷	۰/۲۵	-۳۱۸۳۳
	بهداشتی و درمانی	۳۱۵٦٦۲	۰/۷۹	۰/۵۰	-۱۱۵٦۰۹
	پارک	۸۱۸۱٤۱	۲/۰٤	۵	-۱۱۸۲۳۸۹
خدمات	اداری و انتظامی	۱۱۲۰۸۹۳	۲/۸۰	۱	-۷۲۰۷۸۷
	تجهیزات شهری	٤۳۸٤۳	۰/۱۱	۰/۵۰	-۱۵٦۲۱۰
	تفریحی-گردشگری	۱۱۳۵۷۵	۰/۲۸	۰/۳۰	-٦٤۵۷
مجموع		۳۳۹۵۹۰۸	۸/٤۹	۱۳	-۲۷٦۱۸۹۸

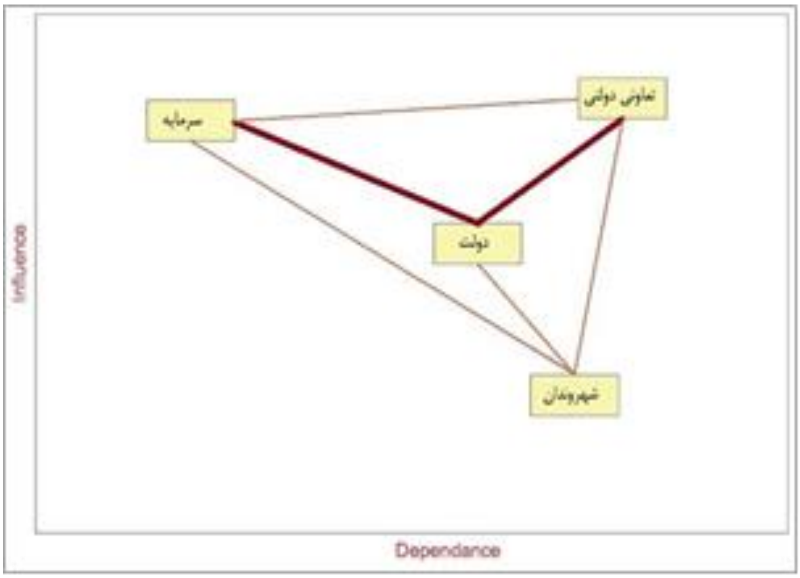
۵. ۵. تحلیل نیروهای تأثیرگذار بر تولید فضای شهری زنجان

برای تحلیل روشمند نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری زنجان از مدل چند «موضوع–چندبازیگرِ مکتور» یا به‌عبارتی «ماتریس شرکا و تعارضات؛ اقدامات، اهداف و پیشنهادها» استفاده شده است. در این رابطه ماتریس جدول ٤ و خروجی شکل ۹ نشان می دهند که دولت و مدیریت شهری با محوریت دولتی در شکل‌دهی و تولید فضای شهری در قالب طرح های آماده‌سازی، نقش دوجانبه داشته و با همکاری بخش دولتی و سرمایه در قالب بخش خصوصی و تعاونی های مسکن دولتی توانسته است سیاست‌ها و برنامه‌های مدنظر خود را اجرا کند. از طرفی بخش سرمایه در قالب‌های مختلف ازجمله شرکت‌های تعاونی و براساس ماتریس بردار در شکل ۱۰، نقش غالب را داشته است. این عامل یا بازیگر ضمن آگاهی از امکان تحصیل رانت در بستر اجرای طرح‌های آماده‌سازی و با استفاده از نفوذ خود در دولت و با تملک زمین‌های مدنظر، به تفکیک و فروش زمین قطعه‌بندی‌شده اقدام کرده است. از طرفی نقش بخش خصوصی که صاحبان املاک و مستغلات و شرکت‌های بساز و فروش هستند، نقش بینابینیِ دووجهی و مغلوب بوده است. در این رابطه موفق‌نشدن برخی شرکت‌ها در رسیدن به اهداف مدنظر به‌واسطه تغییراتی که در بدنه دولت و مدیران شهری ایجاد شده، تأثیرگذار بوده است. از طرفی عامل چهارم یعنی شرکت‌های تعاونی مسکن با عضویت کارکنان دولت نقش مستقلی را بازی کرده است؛ درنتیجه می‌توان گفت که این شرکت‌ها به علت نبود واسطه بین آن‌ها به‌طور مستقیم در شکل‌دهی و تولید فضا در شهر در قالب اقتصاد رانتی و آگاهی از طرح‌های آماده‌سازی تأثیر بسزایی داشته‌اند و به‌عنوان عامل مهم در مدیریت فضای شهری و اقتصاد رانتی در شهر زنجان عمل کرده‌اند. درنهایت شهروندان که اغلب از طرح‌های آماده‌سازی اطلاعی نداشتند و در شرکت‌های تعاونی عضو نبوده‌اند، تأثیر چندانی بر تولید فضا نداشته‌اند و نقش حاشیه‌ای در این زمینه ایفا کرده‌اند.

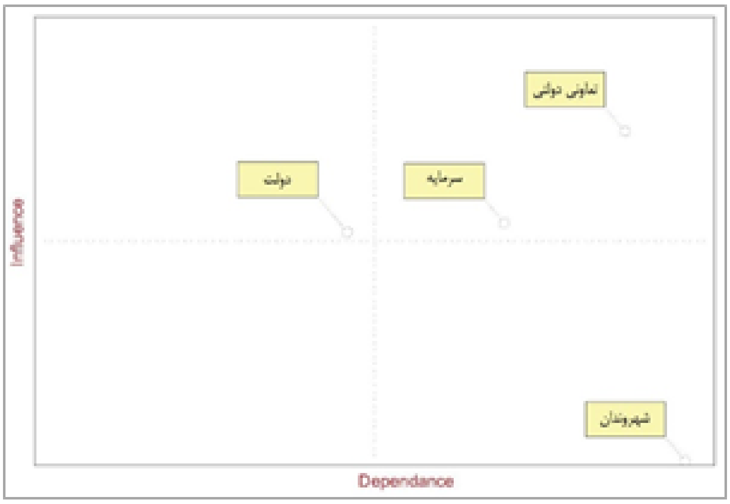
جدول ٤. ماتریس بازیگران-اهداف براساس وزن‌دهی تحلیل دلفی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

بازیگران / متغیرهای کلیدی	دولت	شهروندان	تعاونی کارکنان سازمان‌های دولتی	سرمایه	Ii
اقتصاد متمرکز	۵	۱	۵	۱	۱۳
توسعه فضای مسکونی	٦	۲	٦	٤	۱۹
شهری شدن رانت	۲	۱	۳	٤	۱۷
تولید فضای شهری	۸	٤	٦	۳	۱۵
Di	۲۱	۸	۲۰	۱٤	--



شکل ۹. نمودار میزان ارتباط بازیگران تأثیر گذار بر تولید فضای شهری زنجان



شکل ۱۰. موقعیت بازیگران تأثیرگذار بر تولید فضای شهری زنجان

٦. نتیجه‌گیری

نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که از منظر سه‌گانه فضاییِ لفور تا اواخر دوره قاجار «فضای عمل» که محصول عمل فضایی شهروندان است، فضای غالب در شهر زنجان بوده است و نقش دولت در تولید فضا در حد تک‌بناهای مهم قابل‌ردیابی است. پس از استقرار دولت شبه‌مدرن پهلوی و گسیل سرمایه حاصل از فروش نفت به فضای شهری و رواج طرح‌های شهرسازی و معماری، «فضای متصور یا بازنمایی فضایی» به سرعت جایگزین «فضای عمل» شد؛ به این ترتیب نقش مردم در تولید فضای شهری به حاشیه رفت و روبه‌روز کم‌رنگ‌تر شد و تولید فضای شهری به تدریج در انحصار دولت قرار گرفت.

فضای مدرک در شهر زنجان محصول تجربه زندگی چندهزارساله ساکنانش بود؛ ازاین‌رو با نیازهای مردم و همچنین اقلیم و فرهنگ منطقه سازگاری کامل داشت. با سیطره فضای متصور القای اراده حاکمیت بر فضا از طریق طرح‌های توسعه شهری، یکسان‌سازی و همگن‌سازی فضای شهری بر سیمای شهر تحمیل شد؛ به این ترتیب گسستی در سیما و کالبد شهر درباره گذشته تاریخی ایجاد شد؛ انقطاعی که بستر دگرگونی‌های محتوایی و اجتماعی در شهر را فراهم کرد. فضای شهری جدید سنخیت چندانی با ماهیت شهرها و زندگی روزمره مردم نداشت؛ به همین دلیل فضای سوم لفوری یا همان «فضای بازنمایی‌شده» که درواقع بُعد

ذهنی فضا یا تصویر ذهنی شهروندان از فضا است، دگرگون شد و ماهیت جدیدی به خود گرفت.

براساس حکم کلیِ حاصل از نتایج پژوهش حاضر، دولت و سرمایه نقشی بی‌بدیل در تولید فضای شهری دوره معاصر شهر زنجان داشته‌اند و در این رابطه هم‌آهنگی و هم‌آوایی مستحکمی بین دولت و سرمایه برقرار بوده است. درحقیقت با توجه به ساختار اقتصادی حاکم بر ایران نمی‌توان تفکیکی بین دولت و سرمایه قائل شد؛ چراکه اقتصاد کشور به دلیل اتکای بیش‌ازحد به صادرات مواد خام ازجمله نفت، دولتی بوده و درحقیقت منشأ سرمایه در ایران به دولت متعلق است. سرمایه حاصل از فروش نفت از طریق پرداخت حقوق و مزایا به کارکنان دولت و همچنین ایجاد رانت در حوزه‌های مختلف برای اشخاص و گروه‌های ذی‌نفوذ، در سطح جامعه توزیع می‌شود. در شهر زنجان بخش عمده این سرمایه از طریق تعاونی‌های مسکن (که عمدتاً به کارکنان دولت متعلق است) یا اشکال رانتی دیگر به حوزه زمین و مسکن وارد شده و به این ترتیب سرمایه از طریق فضای شهری به گردش در آمده است.

طبق نتایج پژوهش، ۹٤/۵ درصد از کل اراضی آماده‌سازی شده، توسط دخالت مستقیم دولت در واگذاری زمین یا تعاونی‌های متعلق به کارکنان دولت صورت گرفته است که گویای نقش بدون منازع دولت در تولید بخش عمده فضای شهری زنجان است. این موضوع با تحلیل علمی نیروهای تأثیرگذار بر جریان تولید فضای شهری زنجان با استفاده از مدل چند «موضوع–چندبازیگرِ مکتور» که در بخش یافته‌ها توضیح داده شد نیز تأیید شد.

بررسی تأثیر دولت و سرمایه بر کالبد شهر براساس شاخص ساخت شهری حاکی از کاهش ضریب هم‌پیوندی شهر در توسعه‌های جدید است که ضعف ساختار فضایی شهری را بیان می‌کند. بررسی نحوه و میزان گسترش فیزیکی نشان می‌دهد طی سال اخیر نشان دهد که پیشی گرفتن گسترش فضایی شهر نسبت به افزایش جمعیت است؛ به‌نحوی‌که در مقابل افزایش ۲۲/۵ برابری جمعیت محدوده شهر ۳۳ برابر بزرگ‌تر شده است. این گزاره به این معنی است که بخشی از گسترش کالبدی شهر، خارج از نیاز مصرفی صورت گرفته است. دلیل این امر را می‌توان در سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های زمین شهری دولت

جست‌وجو کرد که به غلبه بیش از پیش ارزش مبادله‌ای زمین و مسکن بـه ارزش مصـرفی آن منجر شد که موجب بورس بازی زمین و محلی برای کسب سود شد.

شکل‌گیری بافت دارای ساختار هندسی منظم در مناطق توسعه جدیـد طـی دوره معاصـر، حاصل دخالت برنامه‌ریزی‌شده دولت و سرمایه در تولید فضای شهری است. این نوع بافت‌ها از یک طرف به دلایلی چون یکسان‌سازی فضا، سهولت دسترسـی، خوانـایی و امکـان کنتـرل بیشتر، مطلوب دولت است و از طرف دیگر به دلیل امکان تحصیل حداکثر قطعات مسکونی از زمین، سهولت اجرا، انطباق با زندگی امروزی، ماشین‌محوری و امکان گسترش آسان مطلـوب سرمایه است.

تأثیر دولت و سرمایه بر تولید فضای شهری و غلبه رویکـرد سـرمایه‌ای بـه شـهر موجـب تحقق نیافتن کاربری‌های عمومی و تغییر کاربری آن‌ها و همچنین افـزایش تـراکم سـاختمانی خارج از قاعده در برخی نقاط شهر شده است؛ به‌طوری‌که طبق بررسی‌های نگارنده، طـی ۳۲ سال اخیر ۲٤٥ هکتار از کاربری‌های عمومی به کاربری غیر (عمدتاً مسکونی و تجاری) تغییـر یافته است که ۱۰۰ هکتار از آن‌ها دارای کاربری باغات و فضای سبز در طـرح تفصـیلی بـوده است.

کتابنامه

۱. اسمیت، ن. (۱٤۰۰). *توسعه نامتوازن طبیعت سرمایه و تولید فضـا (چـاپ اول)*. تهـران: انتشـارات همشهری.

۲. امیرحاجلو، ا. (۱۳۹٦). *تبیین تولید فضای شهری (موردمطالعـه: کلان‌شـهر تهـران)* (رسـاله دکتـری منتشرنشده رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. آقایی، پ. (۱۳۹۹). *تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه* (رساله دکتری منتشرنشـده رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

٤. توسلیان، ر. (۱۳۹۸). *نقش سیاست های عرضه زمین مسـکونی در فراینـد شـهری شـدن رانـت و ساخت شهرهای ایران* رساله دکتری منتشرنشده رشته جغرافیـا و برنامـه ریـزی شـهری). دانشـگاه تبریز، تبریز، ایران.

۵. ثبوتی، ه.، و ثبوتی، ه. (۱۳۹۱). اولین خیابان شهری در زنجان. *فصلنامه معماری و فرهنگ*، (٤۷)، ۸٤–۷٤.

٦. حاجی‌زاده، م. (۱٤۰۰). *تحلیل گفتمان سیاست های زمین شهری در تولید فضا (نمونه موردی تهران)* (رساله دکتری منتشرنشده). دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

۷. ربانی، ط. (۱٤۰۰). آینده پژوهی در عمل. نشریه *آینده پژوهی*، ۸ (۳)، ۲۵–۱۸.

۸. رهنمایی، م. ت. (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهری شدن در ایران. *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای*، (۱) ، ۱٦۵–۱٤۳.

۹. ساندرس، پ. (۱۳۹٤). *نظریه اجتماعی و مسئله شهری* (چاپ دوم). تهران: انتشارات تیسا.

۱۰. شریف‌زادگان، م.، و حسین‌آبادی، م. (۱۳۹۹). نقش دولت و بازار در برنامه ریزی فضایی شهری: از تقابل به سوی تعامل در نهادگرایی جدید. *مجله دانش شهرسازی*، ۳(٤)، ۱۸–۱.

۱۱. عبدی، م.، و حبیبی، م. (۱٤۰۰). مکانیسم‌های تولید فضا در فرایند انباشت سرمایه در آرای هانری لفور، دیوید هاوری و ادوارد سوجا. *فصلنامه علمی معماری و شهرسازی رَف*، (۲) ، ۲۲–٤.

۱۲. کاستلز، م. (۱۳۹۸). *مسئله شهری: رویکرد مارکسیستی* (چاپ اول). تهران: انتشارات شهیدی آرمان شهر.

۱۳. لفور، ه. (۱۳۹۰). *تولید فضا* (چاپ دوم). تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران.

۱٤. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن* .تهران: تارنمای مرکز آمار ایران. www.amar.org.ir

۱۵. منوچهری، ا.، و رهنمایی، م. (۱۳۹۸). تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران مورد: شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۲ (۹)، ٤۱۵–۳۸۷.

۱٦. هاروی، د. (۱۳۹۲). *شهری شدن سرمایه* (چاپ دوم). تهران: نشر دات.

۱۷. هاروی، د. (۱۳۹٤). *هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری* (چاپ اول). تهران: انتشارات اختران.

18. Alexander, E. R. (2001). Why planning vs. markets is an oxymoron: Asking the right question. *Planning & Markets*, *4*. Retrieved from www.pam.usc.edu/volume4/v4i1a2s1.html

19. Harvey, D. (1985). *The urbanization of capital: Studies in the history and theory of capitalist urbanization.* Baltimore: John Hopkins University Press.

20. Lai Wai Chung, L. (1994). The economics of zoning: A literature review and analysis of the work of Coase. *Town Planning Review*, *65*(1) , 77-98.

21. Massey, D. (1994). *Space, Place, and Gender*. Minnesota: University of Minnesota Press.

22. Massey, D. (2005). *For space.* London: SAGE Publications Ltd.
23. Mills, E. S. (2009). Urban land-use controls and the subprime mortgage crisis. *The Independent Review*, *13*(4), 559-565.
24. Moore, T. (1978). Why allow planners to do what they do? A justification from economic theory. *Journal of the American Planning Association*, *44*(4), 387-398.
25. Saunders, P. (1981). Social theory and urban question. In P. Saunders (Ed.), *Social theory and urban question*. utchinson: Hutchinson University Library.
26. Soja, E. (1989). *Postmodern geographies: The reassertion of space in critical social theory*. London; New York: Verso.